ماضی استمراری

احمدی گیوی، حسن

ماضی استمراری،که محمد حسین انصاری از آن به نام«حکایة الحال‏ فی الماضی»نام می‏برد1و کاشف آنرا«حکایه ماضی»2و نجم المغنی‏ «ماضی استمراری»و«ماضی ناتمام»می‏نامد3و شادروان احمد کسروی‏ در سه قسمت به نامهای:«گذشتهء همیشگی»و«گذشتهء همان زمانی»و «گذشتهء پیوسته»از آن یاد می‏کند4فعلی است که دلالت کند بر وقوع‏ کاری در زمان گذشته بطریق استمرار و تکرار و یا شرط و آرزو و فرض و جز آن؛و آن گاهی در زمان ماضی دیگری واقع می‏شود.

دیروز سربازان در خیابان رژه می‏رفتند(استمرار)-

پارسال برادرم هر روز دو بار به مدرسه می‏رفت(تکرار)کاش برادرم‏ می‏آمد(آروز)-گر آنها که می‏گفتمی کردمی(شرط و جزای شرط)- وقتی از خیابان می‏گذشتم بیژن را دیدم(در زمان فعلی دیگر).

با توجه به شواهد بدست آمده،صیغهء ماضی استمراری در ارزش‏های‏ زیر بکار رفته است:

1-استمرار(نه بصورت عادت یا تکرار)2-عادت و دوام 3-تکرار 4-تشبیه یا فرض 5-شرط 6-جزایا جواب شرط 7-مطیعی غیر شرطی‏ (پیرو)8-پایه(برای مطیعی غیر شرطی)9-آرزو(تمنا)10-یاد نام کسی یا جائی 11-شرح خواب(که با وجود یاء خود فعل ماضی مطلق است)12- سئوال انکاری 13-نقل قول 14-بجای مضارع التزامی 15-بدون استمرار (در معنی ماضی مطلق).

(1)-تنبیه الصبیان ص 16

(2)-دستور زبان فارسی ص 144

(3)-نهج الادب ص 18-17

(4)-زبان پاک ص 23-22

که از 15 ارزش بالا 13 نوع آن در مبحث ارزش‏های(ی)خواهد آمد(برای رعایت اختصار از ذکر شاهد یا صیغه‏های همراه«می»و«همی» خوداری می‏شود.)و دو ارزش دیگر که همراه یاء بیان‏ نمی‏شود عبارتند از:

1-استمرار(که صورت عادت یا تکرار نداشته باشد)،

پسرک سماک را دیدند در«نماز میگریست»و این آیت میخواند.

در تاریخ بیهقی چاپ دکتر فیاض ص(515).

به راه اندر«همی شد»راهشاهی‏ رسید او تا به نزد پادشاهی

رودکی.ص 278 دیوان

2-بدون معنی استنباط گاهی با وجود«همی»در اول فعل،معنی‏ استمرار از آن کمتر استنیاط میشود تا معنی«تأکید»و نیز شاید«همی»برای‏ ضرورت شعری باشد.

سعدی فرماید(ص 618 کلیات):

تو اگر چنین لطیف از در بوستان در آئی‏ گل سرخ شرم دارد که چرا همی شکفتم

قاآنی راست(ص 427).دیوان):

سوگند«همی خوردم»و گفتم به خدائی‏ کاو تعبیه کر دست معانی به صور بر

ماضی استمراری

امروز با افزودن(می)به اول ماضی مطلق تشکیل میشود ولی در قدیم‏ صورتهای زیر بکار میرفته است.

1-(می)در اول ماضی مطلق:می‏رفتم

2-(همی)در اول ماضی مطلق:همی رفتم

3-(ی)در آخر ماضی مطلق رفتمی

4-(می)در اول و(ی)در آخر ماضی مطلق:می‏رفتمی

5-(همی)در اول و(ی)در آخر ماضی مطلق:همی رفتمی

6-(ب)در اول و(ی)در آخر ماضی مطلق:برفتمی

7-می+ب در اول و(ی)در آخر ماضی مطلق:می‏برفتمی

8-(مانی)و(تانی)و...در آخر ماضی مطلق:رفتمانی-کردتانی-و...

9-بصورت مصدر:سخن گفت خوب و روشن‏وران.

10-بصورت ماضی مطلق بدون علامتهای بالا:زاغی در آنجا وطن داشت.